

بررسی بُعد فرماندهی جناب جعفر بن ابی طالب (ع)

حکیمه مفتاح^۱

چکیده

جعفر بن ابی طالب (علیه السلام) یکی از شخصیت‌های برجسته و تأثیرگذار تاریخ صدر اسلام است که در احادیث نبوی و اهل بیت (علیهم السلام) با عظمت از ایشان یاد شده است. این پژوهش به بررسی ویژگی‌ها و خصایص جعفر بن ابی طالب (علیه السلام) در بُعد فرماندهی سپاه رسول الله (ص) پرداخته و به این موضوع می‌پردازد که چه ویژگی‌هایی موجب شد ایشان پس از بازگشت از حبشه، از سوی رسول خدا به عنوان فرمانده سپاه اسلام در رویارویی با سپاه روم انتخاب شوند. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسناد تاریخی تدوین شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد دو مقطع مهم در زندگی ایشان، یعنی هجرت به حبشه و فرماندهی سپاه اسلام در جنگ موته، نشانگر ویژگی‌هایی نظیر شجاعت، وفاداری، پاک‌دستی، اطاعت از پیامبر (ص)، و آگاهی عمیق دینی بوده که در منابع فریقین به آن اشاره شده است.

کلیدواژه‌ها:

جعفر بن ابی طالب، جنگ موته، هجرت به حبشه

۱. مقدمه

تاریخ اسلام همواره عرصه وقایع و رویدادهای برجسته‌ای بوده که در آن شخصیت‌های مختلفی نقش‌آفرینی کرده‌اند. برخی از این شخصیت‌ها در منابع تاریخی اسلام اعم از شیعه و

^۱ . طلبه سطح سه تاریخ اسلام، جامعه الزهرا سلام الله علیها قم و دانشجوی مقطع دکتری تاریخ اسلام دانشگاه ادیان و مذاهب قم.

اهل سنت به‌عنوان چهره‌هایی ممتاز و برجسته معرفی شده‌اند و نقشی انکارناپذیر در تحولات این دوره داشته‌اند. یکی از این شخصیت‌های برجسته، جناب جعفر بن ابی‌طالب (علیه‌السلام) است که شناخت زوایای مختلف زندگانی ایشان، مورد غفلت مورخان و اندیشمندان قرار گرفته است.

بررسی منابع تاریخی و سیره‌نگاری مسلمانان، نشان‌دهنده عدم توجه کافی به ابعاد زندگی این شخصیت برجسته است. این در حالی است که پرداختن به ویژگی‌ها و فضایل ایشان، به‌ویژه در مقاطع حساس تاریخی نظیر هجرت به حبشه و فرماندهی در جنگ موته، ضروری به‌نظر می‌رسد. اهمیت این موضوع زمانی آشکارتر می‌شود که برخی از کج‌اندیشان با انکار فضایل جعفر بن ابی‌طالب (علیه‌السلام) و خاندان او، تلاش کرده‌اند مقام والای امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) و این شجره طیبه را مخدوش کنند. در حالی که بررسی تاریخ نشان می‌دهد، پیامبر اکرم (ص)، دو مسئولیت حساس سرپرستی مسلمانان در حبشه و فرماندهی سپاه اسلام در برابر روم را به جعفر سپرده‌اند.

با توجه به محوریت شخصیت جناب جعفر بن ابیطالب علیه السلام در پژوهش حاضر، برخی آثار مرتبط به‌عنوان پیشینه پژوهش معرفی می‌شوند.

یکی از این آثار، کتاب «جعفر طیار، مردی که اگر می‌بود...» نوشته محمدمهدی معماریان (قم: بیت‌الاحزان، ۱۳۹۷) است. این کتاب که در هفت فصل تدوین شده، به مباحثی همچون ولادت، اسلام آوردن، هجرت به حبشه و بازگشت از آن، خانواده، نبرد موته، شهادت و فضایل جناب جعفر علیه السلام می‌پردازد. کتاب دیگر، «جعفر بن ابی‌طالب ذوالجناحین و دوره فی الدعوة الاسلامیه» نوشته جعفر حسین فلیح حنوش (بغداد، ۲۰۰۳ میلادی) است. این کتاب در سه فصل به زندگی و نقش جناب جعفر در دعوت اسلامی می‌پردازد. فصل اول به حیات، نسب، کنیه، خانواده پدری و همسر و فرزندان ایشان اختصاص دارد. فصل دوم به هجرت مسلمانان به حبشه به سرپرستی جعفر پرداخته و فصل سوم، نبرد موته، فرماندهی و شهادت ایشان را بررسی می‌کند. کتاب «زندگی پرافتخار حمزه و جعفر، دو شهید ممتاز» نوشته محمد محمدی اشتیاردی (مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۹۶)، نیز اثری است که به زندگی این دو شخصیت برجسته صدر اسلام، جناب حمزه و جعفر، پرداخته و سیره و زندگانی پرافتخار ایشان را تبیین کرده است. در میان مقالات علمی نیز می‌توان به مقاله «جعفر طیار، مهاجر حبشه، شهید موته» نوشته جواد محدثی در مجله معارف اسلامی (شماره ۶۸، تیر، مرداد و شهریور ۱۳۸۶) اشاره کرد. این مقاله با

بیانی ساده و روان به تبیین نسب، خانواده و تولد جناب جعفر، و دو مقطع مهم زندگی ایشان یعنی هجرت به حبشه و جنگ موته می‌پردازد.

با توجه به آثار معرفی شده، در این پژوهش تلاش شده است تا یکی از مهم‌ترین ابعاد شخصیتی جناب جعفر علیه السلام، یعنی بُعد فرماندهی ایشان، مورد بررسی قرار گیرد. این پژوهش با محوریت دو حادثه بزرگ زندگی ایشان یعنی هجرت به حبشه و جنگ موته، به تحلیل خصایص و ویژگی‌هایی می‌پردازد که سبب شد پیامبر مکرم اسلام، جناب جعفر علیه السلام را به‌عنوان فرمانده انتخاب کنند.

۲. بررسی مفاهیم

تبیین مفاهیم اصلی تحقیق، زمینه را برای طرح مباحث اصلی فراهم می‌سازد. بر این اساس، ابتدا مفاهیمی همچون جعفر بن ابی طالب علیه السلام، هجرت به حبشه و جنگ موته مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱. جعفر بن ابی طالب علیه السلام

جعفر بن ابی طالب، سومین فرزند ابوطالب و فاطمه بنت اسد، پسرعموی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، برادر بزرگ‌تر امام علی علیه السلام، دومین مرد مسلمان پس از امیرالمؤمنین و از صحابیان برجسته رسول خدا بود. (ابن اثیر، بی تا، ج ۱، ص ۲۸۷؛ ابن حجر، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۵۹۲؛ ابن سعد، بی تا، ج ۴، ص ۳۴) تولد ایشان در بیستم عام الفیل، در طایفه بنی‌هاشم از قبیله قریش و در شهر مکه رخ داد. (خوارزمی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۴۶؛ اصفهانی، ۱۳۸۵، ص ۳ و ۸؛ امین، بی تا، ج ۴، ص ۱۱۸) بر اساس قول مشهور، جعفر ده سال از امام علی علیه السلام بزرگ‌تر بود. (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۴۲؛ ابن سعد، بی تا، ج ۱، ص ۹۷)

ایشان به القابی همچون جعفر طیار، ذوالجناحین (ابن حجر، ۱۴۱۵ق، ج ۷، ص ۳۰۹؛ ابن اثیر، بی تا، ج ۱، ص ۲۸۸؛ ابن عنبه، ۱۳۸۰، ص ۳۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۲، ص ۲۷۷؛ شیخ صدوق، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۵۵۸)، ذوالهجرتین (ابن عنبه، همان) و ابوالمساکین (ابن حجر، ۱۴۱۵ق، ج ۷، ص ۳۰۹؛ ابن اثیر، بی تا، ج ۱، ص ۲۸۸؛ ابن عنبه، همان) شناخته می‌شد. جعفر بن ابی طالب مورد علاقه شدید پیامبر مکرم اسلام و امیرالمؤمنین علیه السلام بود. (واقدی، بی تا، ج ۱، ص ۱۵۶؛ امین، بی تا، ج ۴، ص ۱۲۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۲، ص ۱۱۷)

از ویژگی‌های برجسته او که در منابع تاریخی ذکر شده است، می‌توان به خطابه‌پردازی،

سخاوت، شجاعت، عرفان، بردباری، تواضع و مجاهدت اشاره کرد. (اصفهانی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۱۴؛ ابن قدامه، بی تا، ص ۱۱۵؛ ذهبی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۲۰۶) جعفر دو بار به دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله هجرت کرد: نخست در سال پنجم بعثت به همراه گروهی از مسلمانان به حبشه مهاجرت نمود که در این سفر سرپرستی کاروان مهاجران بر عهده او بود. (ابن هشام، ۱۳۸۳ق، ج ۱، ص ۳۲۳؛ ابن سعد، بی تا، ج ۴، ص ۳۴) و بار دوم، پس از فتح خیبر، به مدینه بازگشت. جعفر بن ابی طالب با اسماء بنت عمیس ازدواج کرد و از او سه فرزند به نام‌های عبدالله، محمد و عون داشت. مسلمانان در حبشه تا اواخر سال ششم هجری حضور داشتند. (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۴۵، ص ۴۳۰)

جعفر بن ابی طالب در جمادی‌الاولی سال هشتم هجری، در حالی که فرمانده سپاه اسلام در جنگ موته بود، در سن ۴۱ سالگی به شهادت رسید. (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۴۱؛ اصفهانی، ۱۳۸۵، ص ۶؛ امین، بی تا، ج ۴، ص ۱۱۸)

۲-۲. هجرت به حبشه

پس از سه سال تبلیغ فردی و مخفیانه دین نوپای اسلام توسط رسول خدا، سرانجام به فرمان خداوند متعال، دعوت الهی آشکار و عمومی شد. قریش که تا آن زمان تهدیدی جدی از جانب پیامبر احساس نمی‌کردند، با علنی شدن دعوت، منافع و جایگاه خویش را در خطر دیدند و از آن پس به مقابله و آزار پیامبر و یارانش پرداختند.

آغاز دعوت علنی، با افزایش شکنجه‌ها و آزارهای قریش همراه بود؛ تا جایی که تحمل این وضعیت برای مسلمانان دشوار شد و آنان را تا مرز بازگشت به کفر و خروج از اسلام پیش برد. در چنین شرایطی، رسول خدا برای برون‌رفت از این وضعیت، هجرت از مکه را بهترین راه‌حل دانست. این هجرت نه تنها مسلمانان را از خفقان موجود نجات می‌داد، بلکه فرصتی برای تبلیغ اسلام در سرزمین‌های دیگر فراهم می‌آورد و پایگاهی امن برای مسلمانان ایجاد می‌کرد. (معماریان، ۱۳۹۷، ص ۶۷)

بر همین اساس، در ماه رجب سال پنجم بعثت، یعنی دو سال پس از آغاز دعوت علنی، گروهی از مسلمانان به سرپرستی جعفر بن ابیطالب به حبشه هجرت کردند. (ابن سعد، بیتا، ج ۱، ص ۲۰۴؛ طبری، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۹۲۳؛ ابن اثیر، ۱۳۸۶ق، ج ۲، ص ۱۷۷) دلیل انتخاب حبشه به‌عنوان مقصد این بود که پیامبر فرموده بودند: «در حبشه پادشاهی است که نزد او به کسی ظلم

نمی‌شود و آنجا سرزمین راستی است.» (ابن کثیر، ۱۳۹۶ق، ج ۲، ص ۴؛ ابن اثیر، ۱۳۸۶ق، ج ۲، ص ۲۷۶؛ ابن هشام، ۱۳۸۳ق، ج ۱، ص ۲۱۳) سرزمین حبشه، برخلاف یمن و دیگر مناطق شبه جزیره که تحت سلطه حکومت‌های جبار ایران بودند، دارای حکومتی عدالت‌محور و مردمانی پاک‌سرشت بود. از سوی دیگر، پایبندی مردم حبشه به تعالیم مسیحیت، آنان را بیش از دیگر بلاد، به تعالیم الهی نزدیک کرده بود.

۲-۳. جنگ موته

پس از آن‌که پیامبر اکرم سفرایی به دربار حاکمان بزرگ جهان فرستاد، نامه‌ای نیز توسط حارث بن عمیر ازدی برای پادشاه بصری ارسال کرد. در مسیر، حارث به موته رسید، اما شرحبیل بن عمرو غسانی، از فرماندهان قیصر روم، او را دستگیر و به شهادت رساند. خبر شهادت حارث که به پیامبر رسید، ایشان مردم را از این حادثه آگاه ساخت و دستور تشکیل لشکری برای مقابله با این عمل صادر کرد. (حموی، ۱۳۹۹ق، ج ۲، ص ۱۲۸؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۷؛ ذهبی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۷۹؛ مسعودی، بیتا، ص ۲۳۰)

بیشتر مورخان شهادت حارث را تنها دلیل وقوع جنگ موته می‌دانند. اما برخی نیز بر این باورند که پیامبر اکرم با آگاهی از نقشه رومیان برای حمله به حجاز و نابودی اسلام، با اعزام سپاهی دلاور، به‌دنبال ایجاد رعب در میان رومیان و جلوگیری از تهدیدهای آتی بود. شهادت حارث نیز انگیزه‌ای شد تا مسلمانان قدرت خود را به نمایش بگذارند. (رازی، بیتا، ج ۱۵، ص ۱۹۶؛ قرطبی، بیتا، ج ۷، ص ۳۸۱؛ ابن حیان اندلسی، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۵۱۲؛ عاملی، ۱۳۸۵، ج ۱۹، ص ۲۸۸) مورخان اتفاق نظر دارند که جنگ موته در جمادی‌الاولی سال هشتم هجری رخ داده است. (اصفهانی، ۱۳۸۵، ص ۸؛ ابن شهرآشوب، ۱۳۷۶ق، ج ۱، ص ۱۷۶)

۳. خصایص و ویژگی‌های جعفر بن ابیطالب در بُعد فرماندهی

مطالعه متون تاریخی و روائی درباره جعفر بن ابیطالب، ویژگی‌ها و فضایل برجسته‌ای را از ایشان آشکار می‌سازد که انتخاب او به‌عنوان امیر مهاجران حبشه و فرمانده سپاه اسلام در جنگ موته را توجیه می‌کند که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود.

۳-۱- انتخاب جعفر بن ابیطالب از سوی پیامبر اسلام

هجرت به حبشه در شرایطی دشوار و مبهم، نیازمند رهبری بود که بتواند این موقعیت

حساس را مدیریت کند. جعفر بن ابیطالب، نخستین سفیر دولت اسلامی خارج از حجاز، به‌عنوان فرمانده مهاجران و نماینده پیامبر برای تبلیغ اسلام انتخاب شد. این انتخاب نشان از ویژگی‌های برجسته مدیریتی و توانایی‌های ایشان در راهبری مسلمانان داشت.

اگر به واقعه مهاجرت به حبشه با نگاهی دقیق نگریسته شود، این سؤال مطرح می‌گردد که علت هجرت جعفر به حبشه چه می‌تواند باشد؟ آیا ایشان همانند سایر مسلمانان برای فرار از شکنجه و آزار مشرکان مکه به حبشه هجرت کردند، یا دلیل دیگری در میان بوده است؟ مسلم است که با وجود ابوطالب علیه‌السلام و جایگاه والای ایشان در مکه، و ترسی که قریش از وی داشتند، امکان شکنجه و آزار جعفر توسط مشرکان وجود نداشته است. بنابراین، باید دلیل دیگری در کار باشد که جناب جعفر را به حبشه کشانده است. چه دلیلی مهم‌تر و بالاتر از اینکه پیامبر اکرم در نخستین حرکت تبلیغی اسلام در خارج از شبه‌جزیره، نیاز به فرستادن سفیری داشتند که هم آشنا و آگاه به اسلام باشد، هم مطیع و فرمان‌بردار پیامبر، و هم برخوردار از جایگاه والا و شباهت اخلاقی و رفتاری به آن حضرت. در حقیقت، مردمان آن دیار می‌بایست با نگاه به شخصیت سفیر اسلام و شایستگی‌های اخلاقی او، به حقیقت ناب و پاک اسلام پی ببرند و دعوت اسلام را از کسی دریافت کنند که نسبت به مسائل و معارف دین، آگاهی کامل و همه‌جانبه داشته باشد.

از این‌رو، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، جناب جعفر را برای این مأموریت برگزیدند؛ چراکه ایشان از نظر عقل، خرد، اصالت رأی، و توانایی تفهیم مبادی اسلام، یگانه و بی‌همتا بودند. همچنین این مسئولیت خطیر می‌بایست بر عهده کسی گذاشته می‌شد که توانایی اجرای مأموریتی مهم، همچون سفارت دولت اسلامی در حبشه را داشته باشد. پیامبر اسلام کسی را شایسته‌تر از جعفر بن ابی‌طالب نیافتند. جعفر از برجسته‌ترین افراد در محاجه، فصاحت و بلاغت، و حفظ قرآن کریم بود (فلیح حنوش، ۲۰۰۳م، ص ۶۳). از سوی دیگر، حضور شخصیتی چون امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در کنار پیامبر و در مکه بسیار ضروری بود. به همین جهت، پیامبر با در نظر گرفتن شایستگی‌های جعفر، ایشان را به سرپرستی مهاجران به حبشه و به‌ویژه سفارت خود در آن دیار منصوب کردند. در نامه‌ای که پیامبر به پادشاه حبشه نوشتند، فرمودند:

«وَقَدْ بَعَثْتُ إِلَيْكُمْ ابْنَ عَمِّي جَعْفَرًا وَمَعَهُ نَفَرٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ إِذَا جَاءَكُمْ فَأَقْرَهُمْ وَدَعِ التَّجْبُرَ، فَإِنِّي أَدْعُوكُمْ وَجُنُودَكُم إِلَى اللَّهِ، فَقَدْ بَلَّغْتُ فَأَقْبَلُوا نُصْحِي وَالسَّلَامَ عَلَيَّ مِنْ أَتَيْعِ الْهَدْيِ» (بکری دیماطی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۱۷۵). «پسرعمویم جعفر را به‌همراه گروهی از مسلمانان به‌سوی شما

فرستادم. چون نزد شما آمدند، آنان را بپذیر و غرور و کبر را کنار بگذار. من تو و یارانت را به خدا دعوت می‌کنم. نصیحتم را بپذیرید و سلام بر کسی که از هدایت پیروی کند.»
 پس از ورود مسلمانان به حبشه و تقدیم نامه پیامبر اکرم به نجاشی، پادشاه حبشه، ایشان در محلی نزدیک به کاخ نجاشی اسکان داده شدند (ابن جمیل، بی‌تا، ص ۱۵۳). با وقوع جنگ موته نیز، پیامبر اکرم سپاه خویش را تجهیز کردند و جعفر بن ابی طالب علیه‌السلام را به‌عنوان فرمانده سپاه منصوب نمودند (طبرسی، ۱۳۸۶ق، ج ۲، ص ۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴، ص ۹۹؛ احمدی میانجی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۳۶۸؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۸ق، ج ۱۵، ص ۶۴؛ امین، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۲۴).

در خصوص علت وقوع جنگ موته، گفته شده است که پس از شهادت حارث بن عمیر اُزدی، پیامبر اسلام این حادثه را به اطلاع مردم رساندند و دستور تشکیل لشکری را صادر کردند. ایشان شخصاً سپاه را بدرقه کردند (حموی، ۱۳۹۹ق، ج ۲، ص ۱۲۸؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۷؛ ذهبی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۷۹؛ مسعودی، بی‌تا، ص ۲۳۰). مشهور مورخان بر این باورند که اختلاف گسترده در تعداد و تجهیزات سپاه روم و سپاه اسلام نشان می‌دهد که رومیان قصد حمله به حجاز و نابودی اسلام را داشته‌اند. پیامبر با آگاهی از این نقشه، با اعزام سپاهی شجاع و فداکار، هم موجب ایجاد رعب در دل رومیان شدند و هم خطر احتمالی را دفع نمودند (رازی، بی‌تا، ج ۱۵، ص ۱۹۶؛ قرطبی، بی‌تا، ج ۷، ص ۳۸۱؛ ابن حیان اندلسی، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۵۱۲). از این‌رو، پیامبر اکرم سپاه موته را برای مقابله با سپاه روم تدارک دیدند. فداکاری و شجاعت این سپاه موجب شد تا رومیان از حمله به حجاز منصرف شوند و پیامبر، امنیت و اقتدار اسلام را حفظ نمایند (عاملی، ۱۳۸۵، ج ۱۹، ص ۲۸۸).

در تاکتیک انتخاب فرماندهان شجاع و بااخلاصی نظیر جناب جعفر بن ابی‌طالب، پیامبر مکرم اسلام به‌درستی بر توانایی‌های ایشان حساب باز کردند و به همین علت او را به فرماندهی سپاه برگزیدند. شرایط سپاه اسلام در برابر سپاه روم شرقی از نظر تعداد و تجهیزات به گونه‌ای بود که احتمال شهادت فرماندهان و رزمندگان می‌رفت. با این حال، دلاوری‌ها و شجاعت‌های سپاه اسلام می‌توانست در دل سپاه دشمن رعب و وحشت ایجاد کند. این ترس از آنجا ناشی می‌شد که آنان تصور کنند اگر چنین دلاوری‌هایی از یک سپاه کوچک پیش‌قراول مشاهده می‌شود، پس سپاه اصلی اسلام به‌مراتب قدرتمندتر است؛ به‌ویژه با وجود شخصیت‌هایی همچون امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام که بی‌شک شرح شجاعت‌ها و دلاوری‌های او به گوش سپاهیان روم شرقی رسیده

بود.

۳-۲. آگاهی و تسلط نسبت به مسائل دین

بی‌شک یکی از ویژگی‌هایی که باعث شد جعفر بن ابی‌طالب از سوی پیامبر اسلام به‌عنوان فرمانده و سرپرستی لایق تشخیص داده شود، آگاهی و تسلط او نسبت به معارف دین، آیات قرآن، و برخورداری از منطق قوی و محکم بود. افزون بر این، جناب جعفر دارای صفاتی همچون اخلاق فاضله، ایمان راسخ، شجاعت، و امانت بود؛ ویژگی‌هایی که برای فرماندهی و سفارت یک دولت ضروری به شمار می‌آید.

چنان‌که در مناظره میان جعفر بن ابی‌طالب و عمرو عاص در دربار نجاشی، پادشاه حبشه، این خصایل به‌وضوح نمایان شد. جعفر با اتکا به فصاحت و تسلط کامل بر آیات قرآن، موفق شد بر هیئت قریشی پیروز شود و آنان را دست‌خالی روانه سازد. در این مناظره، او آیات ابتدایی سوره مریم و آیاتی درباره حضرت عیسی علیه‌السلام را قرائت کرد و گفت: «خداوند پیامبرش را به‌سوی ما فرستاد. او کسی است که عیسی علیه‌السلام بشارت آمدن او را داده بود و نامش احمد است.» (حلی، ۱۴۰۰ق، ج ۲، ص ۲۸؛ طبری، ۱۴۱۳ق، ص ۱۲؛ طبری، ۱۳۵۶ق، ص ۲۱۰؛ ابن حنبل، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۰۲؛ ابن خزیمه، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۳؛ امین، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۳۳). شجاعت و فصاحت جعفر نزد نجاشی عنصری کلیدی در موفقیت مهاجران حبشه بود. این خصوصیات باعث شد آنان در سایه امنیت و آسایش آن کشور زندگی کنند و از فرصت به‌دست‌آمده برای تبلیغ و گسترش اسلام در حبشه و آفریقا بهره ببرند (فلیح حنوش، ۲۰۰۳م، ص ۶۵).

ابن اثیر درباره جعفر می‌نویسد: «او از نظر خلق، روحیات، قیافه و اندام به پیامبر اسلام شباهت داشت و پس از علی علیه‌السلام، در فاصله‌ای کوتاه، به پیامبر ایمان آورد. روزی ابوطالب دید که علی در سمت راست پیامبر اسلام نماز می‌گزارد. به جعفر گفت: "تو نیز در سمت چپ او نماز بگزار." جعفر، رهبر جمعیتی بود که برای حفظ دین و آیین خود، خانه و زندگی را در مکه ترک کرده و به فرمان پیامبر به سرزمین حبشه پناه بردند. او با منطق محکم خود، دل سلطان حبشه را به اسلام جلب کرد و با قرائت آیاتی از قرآن درباره حضرت مسیح و مادرش مریم، دروغ‌گویی نمایندگان قریش را ثابت نمود. سلطان حبشه نیز حمایت خود را از مهاجران آشکار کرد و نمایندگان قریش را از دربار خود راند.» وقتی پیامبر از بازگشت جعفر به سرزمین خیبر اطلاع یافت، به استقبال او رفت، دست در گردنش انداخت، پیشانی او را بوسید و با اشک شوق

فرمود: «نمی‌دانم به کدام یک از این دو امر بیشتر شاد باشم؛ آمدن تو از حبشه یا فتح خیبر، آن هم به دست برادرت علی.» (ابن اثیر، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۸۷). جعفر همان شخصیتی است که امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام پس از شهادتش، از شجاعت و جوانمردی او یاد کرد و فرمود: «اگر این دو نفر (حمزه و جعفر) زنده بودند، قریش هرگز ستاره پیروزی خود را در آسمان نمی‌دید.» (ابن مزاحم، ۱۴۰۴ق، ص ۴۹).

۳-۳. پاک دستی و دوری از آلودگی‌های جاهلی

از دیگر ویژگی‌های برجسته جناب جعفر بن ابی طالب، پاک‌دستی و دوری او از آلودگی‌های جاهلی حتی پیش از اسلام بود. این ویژگی نشان‌دهنده سلامت نفس و قدرت روحی بالای اوست که برای کسی که مسئولیت فرماندهی را برعهده دارد، بسیار مهم و اثرگذار است. مطالعه تاریخ پیش از اسلام نشان می‌دهد که بسیاری از اعمال قبیح در میان مردم جاهلی رواج داشت و جامعه آن زمان به آن‌ها عادت کرده بود. با این حال، جعفر از این رفتارها دوری گزید و همواره پاک‌دامنی و تقوا را پیشه خود ساخت. در میان ویژگی‌های برجسته جناب جعفر بن ابی طالب، اجتناب او از شراب‌خواری است. در منابع تاریخی آمده است: «شراب هرگز نزد اعراب عملی پسندیده تلقی نمی‌شد و آنان به بدی آن آگاهی داشتند. جعفر طیار، چه در دوران جاهلیت و چه در زمان اسلام، از این عمل پرهیز می‌کرد.» (سرخسی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۴، ص ۳؛ سمرقندی، بی‌تا، ج ۱، ص ۷۱). در جامعه‌ای که شراب‌خواری امری عادی به نظر می‌رسید، جعفر بن ابی طالب همچون دیگر احفاد و ذریه حضرت ابراهیم علیه‌السلام از آن بی‌زاری می‌جست و می‌فرمود: «مردم در اندیشه افزایش عقل خود هستند، پس من هرگز عقل خویش را (با شراب‌خواری) نمی‌کاهم.» (همان).

جناب جعفر در تمام عمر هرگز زبان به دروغ نگوید، در برابر بت‌ها عبادت نکرد، و دامن عفت خویش را از ناپاکی به دور داشت. امام محمدباقر علیه‌السلام می‌فرماید: «خدای تعالی به پیامبر اکرم وحی فرستاد که من چهار ویژگی جعفر بن ابی طالب را بسیار می‌پسندم.» پس از این وحی، پیامبر اسلام جعفر را نزد خود فراخواند و پرسید: «آن چهار ویژگی که موجب تقدیر خداوند از تو شده است، کدام‌اند؟» جعفر پاسخ داد:

«ای رسول خدا، اگر خداوند شما را از آن ویژگی‌ها باخبر نکرده بود، هرگز آن‌ها را برای کسی بازگو نمی‌کردم. ویژگی‌هایی که خداوند به سبب آن‌ها مرا ستوده است، چنین‌اند:

۱. هرگز لب به شراب نزده‌ام؛ زیرا دانستم که می‌گساری عقل را زایل می‌کند.
۲. هیچ‌گاه دروغ نگفتم؛ چون دریافتم که دروغ، شخصیت انسان را تباه می‌سازد.
۳. هرگز به زنا و فجور آلوده نشدم؛ زیرا می‌ترسیدم آنچه درباره دیگران انجام می‌دهم، درباره خودم نیز صورت گیرد.

۴. هرگز بتی را نپرستیدم؛ زیرا بت‌ها نه سودی می‌رسانند و نه ضرری را دفع می‌کنند.» (شیخ صدوق، ۱۴۱۷ق، ص ۱۳۳؛ شیخ صدوق، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۵۵۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۲، ص ۲۷۲؛ شیخ صدوق، بی‌تا، ج ۴، ص ۳۹۷؛ فتال نیشابوری، بی‌تا، ص ۲۶۹).

همین سابقه پاک و دوری از آلودگی‌های دوران جاهلیت سبب شد که پس از آنکه عمرو عاص نسبت‌های ناروایی همچون قتل، سرقت، و زنا به جعفر داد، مردم که به پاکی و سابقه او آگاه بودند، این تهمت‌ها را باور نکنند. امام صادق علیه‌السلام درباره این موضوع می‌فرمایند: «عمرو عاص نزد نجاشی و مردم آنجا علیه عمومی ما توطئه‌های فراوانی کرد، اما خداوند به لطف خود این توطئه‌ها را خنثی نمود. او به عمومی ما نسبت قتل، دزدی، و زنا داد، ولی مردم که به رفتار، پاکی، عبادت‌ها، و سیمای نبوت او آگاه بودند، این تهمت‌ها را نپذیرفتند.» (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۸ق، ج ۶ ص ۳۱۲؛ مدنی شیرازی، ۱۳۹۷ق، ص ۷۵). چنین شخصیتی که دارای سابقه‌ای پاک و بی‌عیب است، وقتی به‌عنوان فرمانده سپاه یا سفیر حکومت اسلامی انتخاب شود، هرگز دچار زبونی و ترس نخواهد شد و دشمن نمی‌تواند بر او غلبه کند. زیرا در سبک زندگی و روش او هیچ نقطه‌ضعفی وجود ندارد که بتواند موجب نفوذ دشمن یا واداشتن او به عقب‌نشینی شود.

۳-۴- اطاعت و فرمانبرداری از پیامبر اکرم

از دیگر ویژگی‌هایی که جنبه فرماندهی جعفر را ممتاز می‌سازد، اطاعت و فرمانبرداری او از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله است. همان‌گونه که جناب جعفر فرمان پیامبر را در مهاجرت به حبشه و تبلیغ اسلام در آن منطقه پذیرفت، پس از پانزده سال اقامت در حبشه نیز، به فرمان پیامبر مبنی بر بازگشت از حبشه گردن نهاد و همراه مهاجرین به مدینه بازگشت (طبرسی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۰۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸، ص ۴۱۸؛ احمدی میانجی، ۱۹۹۸م، ج ۲، ص ۴۴۰). هنگامی که جناب جعفر بن ابی‌طالب به مدینه رسید، از حرکت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به سوی خیبر مطلع شد. پس بلافاصله خود را آماده حرکت به آن منطقه نمود (مقریزی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۲۲۰). زمانی که به خیبر رسید، مشاهده کرد که آنجا توسط امیرالمؤمنین علی

علیه‌السلام فتح شده است. پس از اطلاع پیامبر از بازگشت جعفر، آن حضرت از جا برخاست و به استقبال ایشان شتافت. پیامبر او را در آغوش گرفت و میان چشمانش را بوسید و فرمود: «نمی‌دانم به کدام یک خوشحال باشم، به فتح خیبر یا بازگشت جعفر؟» (طبرسی، ۱۳۹۲، ص ۲۶۲؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۹۸؛ امین، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۷۲؛ اربلی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۳۸۳). این کلام پیامبر، بیانگر جایگاه والا و ارزشمند جناب جعفر نزد خداوند متعال است؛ چرا که پیامبر بازگشت او را به اندازه فتح خیبر می‌داند. این سخن نشان می‌دهد که نزد پیامبر، تنها ویژگی‌های انسانی و الهی افراد باعث نزدیکی به او می‌شود، نه خویشاوندی یا قرابت فامیلی. پس از بازگشت از حبشه، جعفر همواره همراه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بود، چه در سفر و چه در حضر. چنان که در برخی نقل‌ها آمده است: «جعفر پس از هجرت از حبشه همواره به پیامبر ملحق بود، همانند بچه شتر که همیشه همراه مادرش حرکت می‌کند.» (شاکری، ۱۴۱۸ق، ج ۷، ص ۴۰). پیامبر نیز ایشان را در خانه‌ای کنار مسجد مدینه اسکان داد (ابن اثیر، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۸۷؛ طبری، ۱۴۱۵ق، ص ۳۳۳؛ شاکری، ۱۴۱۸ق، ج ۷، ص ۳۸).

۳-۵- شجاعت و وفاداری

از ویژگی‌های برجسته جناب جعفر بن ابی طالب شجاعت و وفاداری او بود. این ویژگی‌ها باعث شد که پیامبر او را به عنوان فرمانده سپاه مویه انتخاب کند. در جنگ مویه که میان سپاه روم و سپاه اسلام درگرفت، جعفر به عنوان امیر و علمدار سپاه با شجاعت و دلیری فراوان جنگید. او در حالی که اشعاری می‌خواند، به صفوف دشمن حمله کرد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۱، ص ۵۰؛ اصفهانی، ۱۳۸۵، ص ۷؛ طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۴۱؛ هیشمی، ۱۴۰۸ق، ج ۶، ص ۱۵۸؛ طبرانی، بی‌تا، ج ۵، ص ۸۵). در جریان نبرد، جعفر دچار جراحت‌هایی شد و پس از آن که دست راستش از بدن جدا شد، پرچم اسلام را با دست چپ خود گرفت و به جنگ ادامه داد. وقتی که دست چپ او نیز قطع شد، با استفاده از باقی‌مانده دست‌هایش، پرچم را به اهتزاز درآورد و همچنان به جنگ ادامه داد. این حرکت او علاوه بر تقویت روحیه مسلمانان، بر دشمنان اسلام نیز تأثیر عمیقی گذاشت. «جعفر با زحمت بسیار پرچم را با باقی‌مانده دست‌ها به اهتزاز درآورد و در همین وضعیت به شهادت رسید.» (ابن کثیر، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۲۹۳؛ ابن کثیر، ۱۳۹۶ق، ج ۳، ص ۴۸۴).
 اصرار او برای نگه داشتن پرچم اسلام نشان‌دهنده اراده و فداکاری فوق‌العاده‌ای بود که باعث درهم شکستن روحیه دشمنان و افزایش روحیه مسلمانان شد. بنابر برخی نقل‌ها هنگامی که هر

دو دست جناب جعفر از بدن جدا شد و پرچم را با زحمت بسیار در میانه میدان برافراشته نگاه داشت مردی از رومیان به ایشان نزدیک شد و با ضربت شمشیر، پیکر مطهر ایشان را به دو نیمه کرد. (مقریزی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۳۴۰؛ غیبی حنفی، بی‌تا، ج ۱۷، ص ۲۶۸؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۲۹۲؛ ابن کثیر، ۱۳۹۶ق، ج ۳، ص ۴۸۴). بدین گونه، این فرمانده شجاع اسلام در روز ششم جمادی‌الاولی و در سن چهل و یک سالگی به شهادت رسید

۴. نتیجه گیری

جناب جعفر بن ابیطالب علیه السلام از برجسته ترین و ممتازترین صحابه پیامبر مکرم اسلام است که ابعاد مختلف حیات طیبه ایشان در تاریخ اسلام تبیین نگردید و یا به سبب کینه و دشمنی با خاندان علوی، همراه با تحریف بوده است. درحالی که پژوهش پیرامون ابعاد شخصیتی این صحابه بزرگوار نشان می دهد ایشان تا چه اندازه در حوادث و وقایع صدر اسلام اثرگذار بوده و بسیاری از خصایص و ویژگی های ممتاز ایشان مورد غفلت واقع شده است. یکی از ابعاد شخصیتی جناب جعفر بن ابیطالب علیه السلام که بارزترین ویژگی ایشان نیز شمرده می شود، بُعد فرماندهی آن جناب است. به طوری که در دو مقطع مهم زندگی ایشان که هجرت به حبشه و جنگ موته است، مهم ترین نقش ایشان، انتخاب ایشان از سوی پیامبر اسلام به عنوان فرمانده، رهبر و سرپرست مسلمانان بوده است. اهمیت این دو واقعه تاریخی به قدری است که این سوال را در ذهن مخاطب ایجاد می کند که جناب جعفر علیه السلام دارای چه خصوصیات و ویژگی هایی بود که از سوی پیامبر اسلام به عنوان فرمانده، امیر، سفیر و سرپرست مسلمانان برگزیده شده است. بررسی منابع تاریخی صدر اسلام و تحلیل وقایع و رخدادهای آن عصر و همچنین بررسی آیات، روایات و منابع تفسیری که در منزلت شخصیت و سیره جناب جعفر ارائه گردیده نشان می دهد ایشان از خصوصیات و ویژگی هایی برخوردار بودند که در میان افراد حاضر در عصر رسالت، پیامبر اسلام ایشان را برای قبول چنین مسئولیتی تشخیص داده اند. مسئولیتی همچون اولین سفیر دولت اسلامی در خارج از سرزمین حجاز و فرماندهی جنگ موته که برای رویارویی با سپاه عظیم روم شرقی تدارک دیده شد.

پژوهش و تحقیق در منابع تاریخی نشان می دهد، جناب جعفر علیه السلام، از آن جهت که پسرعموی پیامبر اسلام و فرزند ابوطالب علیه السلام است به چنین مقامی برگزیده نشده و داشتن رابطه نسبی با پیامبر کمترین تأثیری در انتخاب ایشان از سوی رسول گرامی اسلام

نداشته است. چه آنکه سیره نبوی برخلاف این امر بوده و تنها کسانی را که از نظر شخصیتی ممتاز و مناسب تشخیص می داد به آنها مسئولیت واگذار می نمود. از سوی دیگر فضایل، خصایص و ویژگی های ممتاز و منحصر به فردی که برای جناب جعفر علیه السلام در منابع مختلف تاریخی ذکر گردیده مؤید این مطلب است که شایستگی های شخصیتی ایشان در بعد فرماندهی باعث شد ایشان از سوی پیامبر اسلام برای سرپرستی مهاجران حبشه و در مقام اولین سفیر اسلام به خارج از حجاز انتخاب شوند. ویژگی هایی همچون آگاهی و تسلط نسبت به مسائل دین که بخصوص در سفر حبشه و تبلیغ و گسترش اسلام در آن منطقه بسیار موثر بود. پاکدستی و دوری از آلودگی های جاهلی از دیگر خصوصیات ممتاز ایشان در بعد فرماندهی است. علاوه بر آن، جناب جعفر از شجاعت، اخلاص، ایمان، وفاداری، اطاعت و فرمانبرداری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برخوردار بود و همین خصوصیات باعث شد جایگاه و مقام والایی نزد پیامبر مکرم اسلام داشته باشد و همین خصوصیات باعث شد وی به عنوان نماینده اسلام در حبشه انتخاب گردد. از سوی دیگر در جنگ موته پیامبر با انتخاب جناب جعفر به عنوان فرماندهی شجاع و دلاور، تاکتیک مناسبی در برابر لشکر روم شرقی اتخاذ نمود که باعث شد با فرستادن این سپاه دلاور به عنوان پیش قراولان لشکر اسلام اقدام به ایجاد رعب در رومیان و به تبع آن دفع خطر نماید.

فهرست منابع

* قرآن کریم

ابن ابی الحدید، عبدالحمید، ۱۳۷۸ق، شرح نهج البلاغه، بی‌جا: داراحیاء الکتب العربیه.
 ابن اثیر، علی بن ابی‌الکرم، ۱۳۸۶ق، الكامل فی التاریخ، بیروت: دارصادر.
 ابن اثیر، علی بن ابی‌الکرم، بی‌تا، اسدالغابه، بیروت: دارالکتب العربیه.
 ابن بابویه، محمدبن علی (شیخ صدوق)، ۱۴۱۷ق، الامالی، قم: بعثت.
 ابن بابویه، محمدبن علی (شیخ صدوق)، ۱۳۸۵ق، علل الشرایع، نجف: مکتبه الحیدریه.
 ابن بابویه، محمدبن علی (شیخ صدوق)، بی‌تا، من لایحضره الفقیه، قم: جامعه مدرسین، چاپ دوم.

ابن جمیل، محمدبن فارس، بی‌تا، داستان مهاجرت به حبشه، بی‌جا: بینا.
 ابن حجر عسقلانی، احمدبن علی، ۱۴۱۵ق، الاصابه، بیروت: دارالکتب العلمیه.
 ابن حنبل، احمد، بی‌تا، مسند احمد، بیروت: دارصادر.
 ابن حیان اندلسی، محمدبن یوسف، ۱۴۲۲ق، تفسیر البحر المحیط، بی‌جا: دارالکتب العلمیه.
 ابن خزیمه سلمی نیسابوری، محمدبن اسحاق، ۱۴۱۲ق، صحیح، بی‌جا: المکتب الاسلامی، چاپ دوم.

ابن سعد، محمد، بی‌تا، طبقات الکبری، بیروت: دارصادر.
 ابن شهر آشوب، محمدبن علی، ۱۳۷۶ق، مناقب، نجف: مکتبه الحیدریه.
 ابن عبدالبر نمری، احمدبن محمد، ۱۴۱۲ق، الاستیعاب، بی‌جا: دارالجلیل.
 ابن عساکر، علی بن حسن، ۱۴۱۵ق، تاریخ مدینه دمشق، بیروت: دارالفکر.
 ابن عنبه، احمدبن علی، ۱۳۸۰ق، عمدۀ الطالب، نجف: مکتبه الحیدریه، چاپ دوم.
 ابن قدامه، عبدالله بن احمد، بی‌تا، التبیین، عراق: مجمع العلمی.
 ابن کثیر، اسماعیل بن کثیر، ۱۴۰۸ق، البدایه و النهایه، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
 ابن کثیر، اسماعیل بن کثیر، ۱۳۹۶ق، السیره النبویه، بیروت: دارالمعرفه.
 ابن مزاحم، نصر، ۱۴۰۴ق، وقعة صفین، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی، چاپ دوم.
 ابن هشام، عبدالملک، ۱۳۸۳ق، السیره النبویه، مصر: مکتبه محمدعلی صبیح و اولاده.
 احمدی میانجی، علی، ۱۹۹۸م، مکاتیب الرسول، قم: دارالحديث.

- احمدی میانجی، علی، ۱۴۱۶ق، مواقف الشیعه، قم: جامعه مدرسین.
- اربلی، علی بن عیسی، ۱۴۰۵ق، کشف الغمه، بیروت: دارالاضواء، چاپ دوم.
- اصفهانی، ابوالفرج، ۱۳۸۵ق، مقاتل الطالبین، نجف: مکتبه الحیدریه.
- اصفهانی، احمد بن عبدالله، ۱۴۰۷ق، حلیه الاولیاء، بیروت: دارالکتاب العربی.
- امین، سیدمحسن، بی تا، اعیان الشیعه، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- بکری دمیاطی، بی تا، اعانه الطالبین، بیروت: دارالفکر.
- حلبی، علی بن برهان الدین، ۱۴۰۰ق، السیره الحلییه، بیروت: دارالمعرفه.
- حموی، یاقوت، ۱۳۹۹ق، معجم البلدان، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- خوارزمی، موفق بن احمد، ۱۴۱۴ق، المناقب، قم: جامعه مدرسین، چاپ دوم.
- ذهبی، محمد بن احمد، ۱۴۰۷ق، تاریخ الاسلام، بی تا: دارالکتاب العربی.
- ذهبی، محمد بن احمد، ۱۴۱۱ق، سیرالنبلاء، بیروت: موسسه الرساله.
- رازی، فخرالدین، بی تا، التفسیر، بی تا: بی تا، چاپ سوم.
- سرخسی، ابوبکر محمد، ۱۴۰۶ق، المبسوط، بیروت: دارالمعرفه.
- سمرقندی، نصر بن محمد، بی تا، تفسیر، بیروت: دارالفکر.
- شاکری، حسین، ۱۴۱۸ق، الاعلام من الصحابه و التابعین، بی تا: ستاره، چاپ دوم.
- طبرسی، احمد بن علی، ۱۳۸۶ق، الاحتجاج، نجف: دارالنعمان.
- طبرسی، حسن بن فضل، ۱۳۹۲ق، مکارم الاخلاق، قم: منشورات شریف رضی، چاپ ششم.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۱۷ق، اعلام الوری، قم: آل البيت علیهم السلام.
- طبری، احمد بن عبدالله، ۱۳۵۶ق، ذخائرالعقبی، قاهره: مکتبه القدسی.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۵ق، المسترشد، بی تا: موسسه الثقافه الاسلامیه.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۰۳ق، تاریخ طبری، بیروت: موسسه اعلمی للمطبوعات، چاپ چهارم.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۳ق، دلائل الامامه، قم: موسسه بعثت.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ق، امالی، قم: دارالثقافه.
- عاملی، جعفر مرتضی، ۱۳۸۵ق، الصحیح من سیره النبی الاعظم، قم: دارالحديث.
- غیتایی حنفی، احمد بن موسی، بی تا، عمده القاری شرح صحیح البخاری، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

فلیح حنوش، جعفر حسین، ۲۰۰۳م، جعفر بن ایطالب، بغداد: بینا.
 قتال نیسابوری، محمد، بی تا، روضه الواعظین، قم: منشورات شریف رضی.
 قرطبی، محمد بن احمد، بی تا، تفسیر، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
 لخمی طبرانی، سلیمان بن احمد، بی تا، المعجم الکبیر، بیروت: داراحیاء التراث العربی، چاپ دوم.

مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحارالانوار، بیروت: موسسه الرساله، چاپ سوم.
 مدنی شیرازی، سیدعلی خان، ۱۳۹۷ق، الدرجات الرفیعه فی طبقات الشیعه، قم: منشورات مکتبه بصیرتی.

مسعودی، علی بن حسین، بی تا، التنبیه و الاشراف، بیروت: دارصعب.
 معماریان، محمدمهدی، ۱۳۹۷ش، جعفر طیار؛ مردی که اگر می بود، قم: بیت الاحراز.
 مقریزی، احمد بن علی، ۱۴۲۰ق، امتاع الاسماع، بیروت: دارالکتب العلمیه.
 واقدی، محمد بن عمر، بی تا، مغازی، بیروت: موسسه اعلمی للمطبوعات.
 هیثمی، نورالدین علی، ۱۴۰۸ق، مجمع الزوائد، بیروت: دارالکتب العلمیه.